

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۵/۱۶

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۳/۶/۲۴

بررسی مواضع مجالس نوزدهم و بیستم شورای ملی در قبال روابط ایران و آمریکا

علی باقری دولت‌آبادی

استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه یاسوج

سارا اکبری

دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی

چکیده

اگرچه تاریخ روابط ایران و آمریکا به قرن نوزدهم و سال ۱۸۸۳ بازمی‌گردد اما باید اذعان نمود که بعد از جنگ جهانی دوم و متأثر از بحران اشغال ایران توسط شوروی، حضور آمریکا در سیاست خارجی ایران پُررنگ گردید؛ به نحوی که منجر به مداخله آمریکا در امور کشور و سرنگونی حکومت قانونی دکتر محمد مصدق شد. سرنگونی مصدق زمینه‌ای را فراهم ساخت تا نه تنها حضور آمریکا در سیاست ایران با راه‌اندازی دستگاه ساواک تقویت گردد بلکه به واسطه سهم ۴۰ درصدی آمریکا در کنسرسیوم نفتی، نقش‌آفرینی این کشور در اقتصاد ایران نیز پُررنگ گردد.

سؤال اصلی پژوهش حاضر، این است که مجالس نوزدهم و بیستم چه موضعی را در قبال توسعه روابط ایران و آمریکا اتخاذ نمودند؟ فرضیه اصلی پژوهش به این نکته اشاره دارد که با توجه به مردمی نبودن هر دو مجلس و حضور عناصر وابسته به شاه در آن، این مجالس به تأیید سیاست خارجی مورد نظر شاه می‌پرداختند. برای انجام این پژوهش از روش اسنادی بهره گرفته خواهد شد؛ بدین صورت که با تکیه بر مشروح مذاکرات مجلس و منابع کتابخانه‌ای، موضوع مورد تحلیل قرار خواهد گرفت.

کلیدواژه‌ها: مجلس نوزدهم، مجلس بیستم، شاه، آمریکا، سیاست خارجی.

پیشینه روابط ایران و آمریکا اگرچه به دوران قاجار برمی‌گردد اما اوج این روابط را در دوره پهلوی دوم باید جستجو کرد. پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ حضور آمریکایی‌ها در ایران رسمیت یافت و این کشور در چهارچوب حفظ منافع خود به حمایت از شاه دست یازید. هرچند این حمایت آمریکایی‌ها، کمک به ایران نامیده می‌شد؛ ولی در عمل، ایران را به آمریکا وابسته‌تر می‌ساخت و همراهی و خودباختگی شاه و دولت‌مردان ایرانی نیز این روند را تشدید می‌کرد. آنچه در این میان جای تأمل دارد، بررسی نقش مجلس شورای ملی در قبال این رابطه و نوع واکنش نمایندگان نسبت به تعمیق وابستگی ایران به آمریکاست. لذا این سؤال پیش می‌آید که مجالس نوزدهم و بیستم که پس از کودتای ۲۸ مرداد تشکیل گردیدند، چه موضعی را در قبال توسعه روابط ایران و آمریکا اتخاذ نمودند؟

فرضیه اصلی پژوهش به این نکته اشاره دارد که با توجه به مردمی نبودن هر دو مجلس و حضور عناصر وابسته به شاه در آن، به نوعی، مجلس به تأیید سیاست خارجی مورد نظر شاه می‌پرداخت. بنابراین، این مقاله بر آن است تا با بررسی روابط سیاسی، اقتصادی و نظامی بین ایران و آمریکا در دهه ۳۰، به خصوص در فواصل سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۰ ه.ش. / ۱۹۶۱-۱۹۵۶ م. به این نکته بپردازد که مجلس در این فواصل زمانی عملاً در راستای اهداف رژیم وقت، پیشبرد منافع این رژیم و آمریکا حرکت کرده است.

روابط سیاسی ایران و آمریکا

هرچند ایران و آمریکا در سال ۱۲۳۵ ه.ش. / ۱۸۵۶ م. اقدام به گشایش ابواب دیپلماتیک با یکدیگر کردند اما تا پیش از جنگ جهانی دوم تماس آن‌ها در کمترین حد بود. در زمان جنگ، مداخله آمریکا در ایران با استقرار ۳۰ هزار سرباز آمریکایی به منظور کمک‌رسانی به روسیه شوروی رو به فزونی نهاد. همین مداخلات، آمریکا را به رویارویی با شوروی بر سر ادامه حضور نیروهای اشغالگر شوروی در شمال ایران کشاند. ایالات متحده در بیرون راندن نیروهای شوروی از ایران در سال ۱۳۲۵ ه.ش. / ۱۹۴۶ م. نقش اساسی داشت و قویاً این تصور پیدا شد که آن کشور قصد دارد پس از خروج نیروهای شوروی، به حضور نیرومند خود در ایران ادامه دهد. مقامات آمریکایی، با وجود ادامه داشتن تهدید شوروی و دشواری‌های فزاینده اقتصاد ایران در اواخر دهه ۱۹۴۰ م.، بارها درخواست ایران را برای دریافت کمک‌های وسیع و انعقاد یک قرارداد رسمی امنیتی رد کردند و به جای آن ایران را تشویق نمودند که روابط خود را با اتحاد جماهیر شوروی بهبود بخشد. گرچه در آن زمان، ایران جزئی از حوزه «منافع حیاتی استراتژیک» آمریکا به شمار می‌رفت، اما مقامات آمریکایی، سخت درگیر جنگ سرد در اروپا و آسیا بودند و ایران ثبات نسبی داشت و در هر حال، در محدوده مسئولیت امنیتی بریتانیا منظور می‌شد.^۱ روابط آمریکا با ایران، از اوایل سال ۱۳۲۹ ه.ش. / ۱۹۵۰ م. که استراتژی عام جدیدی به منظور جلوگیری از توسعه‌طلبی شوروی از سوی حکومت ترومن تنظیم شد، رو به افزایش نهاد؛ مضاف بر آن می‌توان بر این نکته اذعان نمود که سرنگون

۱. گازیوروسکی، مارک، «روابط امنیتی ایران و ایالات متحده»، ترجمه احمد شمس، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ش: ۶۶-۶۵،

شدن مصدق بر اثر کودتای ۱۳۳۲ هـ.ش. / ۱۹۵۳ م. و روی کار آمدن حکومت کاملاً طرفدار غرب به ریاست فضل‌الله زاهدی، سرآغاز رابطه نزدیک بین ایران و ایالات متحده بود که ۲۵ سال به درازا کشید.^۱

اگر دولت زاهدی که به تازگی روی کار آورده شده بود، در تحکیم سریع قدرت خود با شکست روبه‌رو می‌شد، امکان داشت به‌زودی بی‌ثباتی سیاسی به ایران بازگشته و احتمالاً جبهه ملی یا سازمانی دیگر، خطر جدیدی را متوجه آن کند؛ هم‌چنان که این موضوع در همان ماه‌های نخست پس از کودتا، کاملاً آشکار بود. لذا آمریکا برای تقویت دولت زاهدی، اقدام‌های گوناگونی را انجام داد.^۲ چشمگیرترین اقدامات حمایتی آمریکا در این دوره، عبارت بود از یک رشته ابتکارات دیپلماتیک حاکی از موافقت با حکومت زاهدی و پایان دادن به دشواری‌های اقتصادی که در نتیجه اختلاف ایران و بریتانیا بر سر مسئله نفت بروز کرده بود.^۳ نتیجه چنین اقداماتی به ایجاد یک رژیم جدید خودکامه و باثبات‌تر در پایان سال ۱۳۳۳ هـ.ش. / ۱۹۵۴ م. کمک کرد. سپس آمریکا برنامه‌هایی را به منظور افزایش ثبات سیاسی درازمدت ایران، در پیش گرفت و ایران را در استراتژی جهانی خود برای مهار پیشروی اتحاد شوروی، جای داد. این اقدامات، اثر بسزایی در سیاست داخلی ایران داشت و مایه افزایش توانایی‌های سرکوبگرانه و محدودکننده حکومت شد؛ در نتیجه به مقدار فراوانی، استقلال عمل آن را بالا برد.^۴ بنابراین پس از موفق شدن طرح کودتا و برقرار شدن ثبات سیاسی، ایران به مقصدی برای روابط سلطه‌آمیز تبدیل شد. روابط سلطه‌آمیز میان ایران - آمریکا در آغاز در اثر استراتژی نگرش نوین دولت آیزنهاور پدید آمد. نگرش نوین در بررسی شماره ۱۶۲/۲ شورای امنیت ملی آمریکا در سال ۱۳۳۲ هـ.ش. / ۱۹۵۳ م. ارائه شد و در زمینه رویارویی جهانی آمریکا با شوروی اولویت یافت.^۵

این نگرش، خواهان ایجاد اقداماتی مهم در زمینه تقویت کشورهای طرفدار غرب و همه کشورهای گرداگرد حوزه نفوذ شوروی بود. این برنامه، از سوی دولت ترومن در سال ۱۳۲۹ هـ.ش. / ۱۹۵۰ م. آغاز شد ولی در اثر بازسازی جنگ کره، متوقف ماند. بر همین اساس، دولت آیزنهاور آغاز به برقراری روابط سلطه‌آمیز با کشورهای گرداگرد چین و شوروی نمود و کمک‌های امنیتی و اقتصادی گسترده‌ای را در این گونه کشورها به کار گرفت و اقدام به ایجاد اتحاد و عملیات پنهانی کرد. در نتیجه، تغییراتی اساسی در برنامه‌های کمک نظامی و اقتصادی آمریکا پدید آمد به طوری که این کمک‌ها از اروپا فاصله گرفته و متوجه کشورهای خاورمیانه و آسیای خاوری شدند. در این دوره، کشورهای ایران، پاکستان، تایلند، ویتنام جنوبی، تایوان و کره جنوبی، همگی به صورت دست‌نشانندگان مهم آمریکا درآمدند.^۶ این روابط با فراز و فرودهایی که در پی داشت، تا سال ۱۳۵۷ ادامه یافت.

مواضع نمایندگان دوره نوزدهم مجلس شورای ملی در مورد این رابطه که سبب بیرون آمدن ایران از مشی بی‌طرفی در عرصه سیاست خارجی و قرار گرفتن در جبهه آمریکا شد، قابل تأمل است.

۱. همان؛ ص ۳۹.

۲. گازیوروسکی، مارک، *دیپلماسی آمریکا و شاه*، ترجمه جمشید زنگنه (تهران: مؤسسه فرهنگی رسا، ۱۳۷۱)؛ ص ۱۹۹.

۳. همانجا.

۴. همان؛ ص ۱۹۹.

۵. همان؛ ص ۲۱۳.

۶. همان؛ ص ۲۱۴.



حشمتی:

ناپلئون می‌گوید سیاست هر کشوری را بایستی در وضعیت جغرافیایی آن کشور جستجو کرد. در گذشته، سیاستمداران ایران بدون توجه به این اصل مهم و در اثر عدم توجه و یا اجبار، با اتخاذ یک رویه بی‌طرفی، کشور عزیز ما را از خیلی از حقوق‌های خود محروم ساختند. ... بسیار خوش‌وقتیم که دیدیم اعلی‌حضرت همایون شاهنشاه که همواره در فکر مملکت و سعادت مردم هستند و میل دارند که کشتی سعادت ایران را در دنیای پرآشوب کنونی به ساحل نجات برسانند، با توجه به وضع جغرافیایی ایران، با یک درایت فوق‌العاده و شجاعت بی‌مانند در تغییر مشی سیاسی کشور و اتخاذ یک رویه مثبت اقدام فرموده و لحظه‌ای دچار تردید نشدند ... لابد همه آقایان شنیده‌اند که اخیراً از طرف رئیس‌جمهوری آمریکا، برای تقویت بنیه مالی خاورمیانه و حفظ آن در مقابل تجاوز مسلحانه کشورهای کمونیستی، پیشنهادی به کنگره آمریکا شده است. شخص هر قدر مغرض باشد نمی‌تواند مزایای این اقدام را منکر شود زیرا کشور عزیز ما با ایجاد یک ثبات و پیدا شدن حس اطمینان خواهد توانست با بهترین طریقی از مواهبی که خداوند به آن ارزانی داشته، استفاده نموده و در پی‌ریزی یک ایران مترقی عمل به اقدام نماید و مسامحه‌کاری و غفلت‌های گذشته که به حکم اجبار صورت گرفته بود را جبران سازد ... امروز با اتخاذ یک رویه صحیح و علاقه به حفظ منافع ملی، موقعیت خود را بین ملل زنده جهان ثابت نموده و این، اولین ثمره همان سیاست مدبرانه و عاقلانه‌ای است که از طرف پادشاه محبوب و خردمند ما اتخاذ شده است.

دولت‌آبادی:

امروز کشور پهناور آمریکا را به شایستگی باید تکیه‌گاه آزادی و پشتیبان ممالک دموکرات جهان دانست [نمایندگان: صحیح است] زیرا عملاً طی دو جنگ جهانی قرن اخیر نشان داد که با تمام نیروهای مادی و معنوی خود برای دفاع از دموکراسی و حمایت از آزادی، ایستادگی و پافشاری دارد ... کمک‌های مؤثر آن کشور آزاده و دیگر ممالک دموکرات در مجامع بزرگ بین‌المللی برای حفظ حقوق ایران و تمامیت آن مخصوصاً در حادثه آذربایجان، هم‌چنین مساعدت‌های مالی آن مملکت در سنوات اخیر به میهن عزیز ما قابل فراموشی نیست. من دولت را در سیاست خارجی خود که با ارشاد شاهنشاه و تشخیص مصلحت مملکت، اتخاذ و اعمال کرده است، می‌ستایم. [نمایندگان: صحیح است].

دادفر:

من وقتی متن رسمی نطق رئیس‌جمهور آمریکا را مطالعه می‌کردم، نمی‌توانستم از ابراز احساسات مسرت‌آمیز خودداری نمایم زیرا حس می‌کردم که شور بزرگ آمریکا صراحتاً عزم و اراده خود را برای دفاع از استقلال و آزادی کشورهایی که طالب حفظ ملیت و قومیت خویش هستند، اعلام می‌دارد. جالب توجه این است که آمریکا پشتیبانی خود را از هدفی اعلام می‌کند که ملت ایران نیز برای نیل به آن هدف از هیچ‌نوعی مجاهدت مضایقه نداشته و ندارد و آن هدف عبارت از تأمین صلح جهانی است ... من حتم دارم و مسلماً آقایان نمایندگان محترم نیز قبول دارند که کشور و ملت ما از جمله کشورهایی است که جداً نه تنها مایل بلکه مصمم است از استقلال و آزادی خویش دفاع نماید و لذا در راه تحقق این آرمان ملی حق داریم که متوقع کمک و مساعدت کشورهای آزاد بزرگ که دارای هدف مشترک با ما هستند، باشیم ... ملت بزرگ آمریکا در طول تاریخ خویش به کرات به داد ملل مظلوم و ستمدیده و از جمله کشور ما رسیده است و اکنون که برای بار دیگر، عزم راسخ خود را برای دفاع از آزادی و استقلال کشورهای خاورمیانه که کشور ما هم از آنها است، اعلام داشته، ملت ما با نیرو و جرئت بیشتر و ایمان و

علاقهٔ زیادتر به حفظ صلح جهانی و استقرار منشور ملل متحد و دفاع از سنن و مقدسات ملی و آب و خاک باستانی خویش می‌کوشد. [نمایندگان: صحیح است؛ احسنت].^۱

تأسیس سازمان اطلاعات و امنیت کشور

یکی از اقدامات مهم جهت تثبیت ثبات سیاسی ایران، پیشنهاد تأسیس سازمان اطلاعات و امنیت کشور بود. غرب، به‌ویژه ایالات متحده، وجود سرویس اطلاعاتی قوی و مطیع را در ایران برای حفظ منافع خود ضروری می‌دید. بر این اساس نظام امنیت - پلیسی و سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک) طرح‌ریزی شد. اهداف عمدهٔ رژیم پهلوی و غرب در تأسیس این سازمان، جلوگیری از تکرار قیام‌های مردمی و حفظ نظام سلطنتی پهلوی بود.^۲ طبیعی بود که اگر ایران می‌خواست به عنوان پایگاه اصلی آمریکا در منطقه قرار گیرد، به یک سیستم اطلاعاتی و امنیتی قوی نیاز دارد؛ مضافاً اینکه در شمال آن، رقیب اصلی آمریکا یعنی شوروی کمونیستی با حضور خود، این پایگاه غرب را تهدید می‌کرد.^۳ بنابراین در زمان نخست‌وزیری حسین علاء در تاریخ ۱۶ اسفند ۱۳۳۵، گزارشی از طرف کمیسیون کشور راجع به تشکیل سازمان اطلاعات و امنیت کشور به مجلس شورای ملی داده شد.^۴ این لایحه سرانجام در تاریخ ۲۳ اسفند ماه ۱۳۳۵، در ۵ ماده به تصویب مجلس شورای ملی رسید.^۵ نطق دشتی در مجلس، نشانی از رضایت نمایندگان مجلس با این طرح است:

کسی مخالف نبود الحمدالله و خیال می‌کنم تمام آقایانی که اینجا هستند و همهٔ مملکت با این لایحه کاملاً موافق باشند و آقایانی هم که اینجا تذکراتی دادند، همه از روی حسن نظر و خوش‌بینی است ... این لایحه که به نام سازمان امنیت اجتماعی آورده‌اند و بنده هم خوشبختانه در کمیسیون نظام هستم، تمام مواد و کلمات آن را زیر و رو کردم؛ از هر حیث، اطمینان پیدا کردم که این لایحه به نفع مملکت است و از روی دینمان و عقیده به آن رأی دادیم ... ما از هر حیث در رفاه و امنیت نیستیم؟ بگذارید این نامنی‌ها از بین برود. از دست شخصی مثل تیمور بختیار ... من یادم می‌آید که هر وقت صبح‌ها از خانه بیرون می‌آمدم، جیب‌هایم را خالی می‌کردم؛ یک وصیتنامه‌ای هم توی خانم می‌گذاشتم و می‌آمدم بیرون. ... جنجال و نکبت و بدبختی بود که به این مملکت روی آورده بود، اما امروز بنده جیب‌هایم همیشه الحمدالله پُر است. [خندهٔ نمایندگان] آقایان قدر این امنیت را بدانید. من نامنی را در این مملکت به قدری دیده‌ام که امروز هر وقت اسم امنیت که بیاید، رأی می‌دهم و عوض اینکه یک دفعه رأی بدهم، دو دفعه قیام می‌کنم؛ یک شعری به نظرم آمد، عرض می‌کنم: «من از شکنج سر زلف یار می‌ترسم / ملامتم چو کنی، من ز مار می‌ترسم». من از نامنی می‌ترسم؛ ما امنیت می‌خواهیم. جناب آقای وزیر دادگستری، جناب آقای گلشائیان را من اطمینان دارم که در رأس این وزارتخانه به خوبی می‌تواند کار کند. من باید فکر کنم که فردا مار خوش‌خط و خال نیاید؟ من اگر آدم باشم؛ قوی باشم؛ نگذارم مار بیاید. آن روزی که مار آوردند، حرف دیگری بود؛ حالا جان من، این لایحه هیچ حرفی ندارد و ما زیر و

۱. مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۱۹؛ جلسه ۵۲.

۲. منصوری، جواد، تاریخ قیام پانزده خرداد به روایت اسناد، ج ۱ (تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۷)؛ ص ۴۳.

۳. شهبازی، عبدالله، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۱ (تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۸۸)؛ ص ۳۲۸.

۴. مشروح مذاکرات مجلس، همان؛ جلسه ۷۲.

۵. همان؛ جلسه ۷۵.



رویش کردیم؛ خوب حلاجی‌اش کردیم. از آقای وزیر کشور هم اطمینان داریم ... ما یک شاه داریم؛ یک اعلی‌حضرت همایونی؛ او دولت را به ما معرفی می‌کند. او وزیر کشورش را خوب انتخاب کرده است؛ ما هم خوش‌بین هستیم. خوش را می‌بینیم. وقتی وزیر کشور آمد، یک سازمان امنیت هم تأسیس کرد. یک شخص هم مثل سرلشگر تیمور بختیار با حسن عمل، با سعه صدر، با فکر باز در رأس امور است؛ ما چه ترسی داریم ... اعلی‌حضرت همایونی هم در رأس امور هستند و به تمام معنی، امور را حلاجی می‌کنند. ما هم خدمتگزار ملک و پادشاه هستیم. می‌توانیم فکر بکنیم که دیگر مار خوش‌خط و خال نمی‌آید.^۱

سرانجام پس از تصویب این لایحه در مجلس نوزدهم، این سازمان تا سال ۱۳۵۷ تحت عنوان ساواک به فعالیت خود ادامه داد.

تأثیر روابط ایران و آمریکا در انتخاب نخست‌وزیران و مجالس قانون‌گذاری

کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ منجر به تضعیف قدرت مجالس و افزایش قدرت شاه گردید. از کودتا به بعد، محمدرزاشاه و دربار به طور مؤثر در انتخابات مجلس دخالت می‌کردند و با استفاده از شیوه‌های مختلفی مانند به کارگیری نیروهای امنیتی، تعیین و گزینش داوطلبان مورد نظر و حذف نامزدهای مستقل در جریان انتخابات، اعمال نفوذ می‌کردند.^۲ در دوره نوزدهم، دخالت دولت و شخص شاه در انتخابات، شدیدتر شد؛ به گونه‌ای که این دوره با ترکیبی که به مجلس راه یافته بود، یکی از بی‌سروصداترین و مطیع‌ترین ادوار قانون‌گذاری پس از شهریور ۱۳۲۰ بود^۳ و فعالیت سیاسی نمایندگان مجلس منحصر به بیان موضوعات غیرسیاسی و مسائل محلی مربوط به حوزه‌های انتخاباتی شد.^۴ علاوه بر این، تأسیس ساواک نیز که در این سال‌ها اتفاق افتاد، دخالت شاه در مجلس را بیشتر کرد. بنابراین اگر قبل از این، یعنی طی سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲، مجلس تا حدی استقلال داشت، در این دوران، همان اقتدار نیم‌بند خود را هم از دست داد و به یکی از مجاری اعمال قدرت شاه بدل شد. در واقع، از کودتای ۱۳۳۲ تا اوایل دهه ۱۳۴۰ دولت و در کانون اصلی آن، شخص شاه، بیش از پیش قدرتمند شد.^۵ همچنین در این خصوص مشخص می‌شود که انتقادات نمایندگان مجلس شورای ملی در حکومت پهلوی، گامی برای جلب توجه مردم و کسب اعتبار برای مجلس بوده است.^۶

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۱. همانجا.

۲. ازغندی، علیرضا، *تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی ایران (۱۳۵۷-۱۳۲۰)* (تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۴)، ص ۲۲۰.

۳. همانجا.

۴. مروار، محمد، «گذری به دوره‌های مجلس شورای ملی؛ بخش پایانی»، *روزنامه دنیای اقتصاد*، ش: ۲۹۴۹، سال ۱۳۹۲، ص ۳۱.

۵. ازغندی، همان؛ ص ۱۱۵.

۶. برگرفته از آرشیو مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.



موضوع: اظهارات در حزب ایران نوین

گیرنده: ساواک

تاریخ وصول: ۴۲/۱۰/۳۰

شماره: ۶۲۹۵

تاریخ گزارش: ۴۲/۱۱/۱

طبق اطلاع واصله، در یکی از محافل وابسته به حزب ایران نوین گفته شده است، به خاطر ایجاد وزن برای مجلس شورای ملی، قرار شده است نمایندگان مجلس از بعضی کارهای دولت انتقاد نمایند تا از این راه و به این ترتیب توجه مردم به مجلس شورای ملی جلب شود. عیناً جهت اقدام به اداره دوم ارسال می‌گردد.

مجلس بیستم نیز دو ماه بیشتر طول نکشید و با استعفای شریفامامی و به قدرت رسیدن علی امینی که توسط آمریکا روی کار آمده بود، به فرمان شاه منحل شد.^۱ در رابطه با این مجلس گفته می‌شود که محمدرضاشاه، انتخابات مجلس بیستم را در بست به مبلغ ۲۰ میلیون تومان اجاره کرده است.^۲

موضوع: انتخاب

شماره: ۵۹۲۹-۳-۲

تاریخ وصول: ۳۹/۱۲/۱۰

تاریخ گزارش: ۳۹/۱۲/۱۱

بین کارمندان عالی‌رتبه وزارت کشور از قول تیمسار سپهبد علوی مقدم وزیر کشور گفته می‌شود که مشارالیه انتخابات دوره بیستم را در بست به مبلغ بیست میلیون تومان اجاره کرده و جمع شیفری که کارمندان مزبور بابت وجوه دریافت شده از کاندیداها که تاکنون افشاشده اظهار می‌دارند، مبلغ ۱۸ میلیون تومان می‌باشد.

هم‌چنین این رابطه در دهه ۳۰ در انتخاب نخست‌وزیران از طرف شاه نیز تأثیر ژرف داشت. به شیوه بارزتر می‌توان به این نکته اشاره کرد که پس از کودتای ۱۳۳۲ و بالأخص در فاصله زمانی ۱۳۳۲ تا ۱۳۴۱، نخست‌وزیران وقت که شامل زاهدی، حسین علاء، دکتر منوچهر اقبال، شریف امامی و علی امینی می‌شدند، از فیلتر آمریکا گذشته بودند؛ برای مثال، دولت آمریکا در جهت اجرای اصلاحات ارضی به محمدرضاشاه پهلوی فشار آورد که هرچه سریع‌تر علی امینی را با اختیارات کامل به نخست‌وزیری منصوب کند. فشار آمریکا به شاه، به حدی بود که ظاهراً در مسافرت زمستانی ۱۳۳۹ او به سوئیس به وی اعلام شد که اگر با خواست دولت جدید آمریکا موافقت نکند، با سقوط سلطنت و ریاست جمهوری امینی مواجه خواهد شد.^۳ در این خصوص، گزارش محرمانه‌ای وجود دارد که حکایت از میزان نفوذ و دخالت‌های سفیر آمریکا در عزل و نصب بالاترین مقام‌های سیاسی ایران دارد. در این گزارش، وزیر مختار سفارت آمریکا در سال ۱۳۴۲ علناً

۱. از غندی، همان؛ ص ۲۲۱.

۲. برگرفته از آرشیو مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.

۳. منصور، همان؛ ص ۷۹.



اعلام می‌کند که من همان‌طور که دکتر علی امینی را نخست‌وزیر کردم، حسنعلی منصور را به سمت نخست‌وزیری خواهم رساند.^۱

موضوع: اظهارات سناتور تهران

شماره: ۱۱۱۲

تاریخ وصول خبر: ۴۲/۱۱/۱۲

تاریخ گزارش: ۴۲/۱۱/۱۳

سناتور سیدجلال‌الدین تهرانی به یکی از دوستانش که در روز جمعه گذشته (۴۲/۱۱/۱۱) به ملاقاتش رفته بود، اظهار داشته که دخالت خارجی‌ها چقدر در امر کشور ما علنی شده. وزیر مختار سفارت آمریکا که از مستأجران حسنعلی منصور دبیرکل حزب ایران نوین است و با او سر و سری دارد علناً گفته است که من منصور را به نخست‌وزیری خواهم رساند، همان‌طوری که دکتر علی امینی را نخست‌وزیر کردم. از طرف دیگر، ارادت نمایندگان مجلس به محمدرضا شاه، در دادن رأی اعتماد به نخست‌وزیران این نکته را تأیید می‌کند.

شاه برای اجتناب از مشکلاتی که با زاهدی داشت، سیاستمداری سالخورده، با تجربه و فردی آرام که داعیهٔ جانشینی شاه را نداشت و با وابستگی به انگلستان و آمریکا، مورد تأیید کشورهای مسلط بود را به نخست‌وزیری منصوب کرد. زمانی که دولت زاهدی استعفا داد، نمایندگان مجلس در دادن رأی اعتماد به علاء تردید داشتند، زیرا نمی‌دانستند شاه با رضایت این اقدام را کرده، یا از روی اجبار، زاهدی را عزل و علاء را منصوب کرده است. با پیام شاه به مجلس و تأیید علاء، اکثریت نمایندگان به وی رأی اعتماد دادند.^۲

در زمان منوچهر اقبال نیز در خرداد ۱۳۳۶ بین ایران و آمریکا عهدنامه مودت و روابط اقتصادی و حقوقی به اجرا درآمد. طبق این قرارداد، دولت ایران تعهد نمود که در صورت ملی شدن سرمایه‌ها و یا صنایع آمریکایی در ایران، دولت، خسارت وارده به آمریکا را جبران نماید. تقریباً یک ماه بعد نیز بین ایران و آمریکا موافقت‌نامه‌ای منعقد شد. این موافقت‌نامه دربارهٔ تجهیزات و مواد مربوط به کمک دفاعی متقابل بین ایران و آمریکا بود. کمی بعد یک هیئت برجستهٔ آمریکایی جهت شناخت موقعیت سیاسی و اقتصادی وارد ایران شد و به موجب قراردادی که بین دو دولت منعقد گردید، سرمایه‌گذاران خصوصی آمریکایی، به سرمایه‌گذاری در ایران تشویق و ترغیب شدند. در اسفند ۱۳۳۶ نمایندهٔ «چیس‌مانهاتان‌بانک» و «براداران لازارد» بانک توسعهٔ صنعتی و بانک ایران و خاورمیانه را در ایران تأسیس کردند. بدین ترتیب در این سال‌ها نمودار نفوذ آمریکا در ایران به لحاظ مسائل سیاسی، اقتصادی و دفاعی حالت صعودی به خود گرفت و به همین ترتیب، این صعود و افزایش از حالت دوستی تغییر مسیر داد و روز به روز امتیازات آمریکا در ایران افزوده شد. این سال‌ها را می‌توان یکی از پربارترین سال‌ها برای آمریکا دانست؛ به عبارت دیگر در زمان اقبال، زمینه، مهتاً گشت تا نتایج بیشتری برای آن‌ها به ثمر برسد.^۳

۱. برگرفته از آرشیو مؤسسهٔ مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.

۲. منصوری، همان؛ ص ۴۰.

۳. عاقلی، باقر، روزشمار تاریخ ایران (تهران: گفتار، ۱۳۷۶)؛ ص ۸۶۸.

کمک‌های اقتصادی

از جمله ویژگی‌های دهه ۱۳۳۰، تزریق پول به اقتصاد ایران از طریق کمک‌های دولت آیزنهاور بود که ضمن تقویت بندهای وابستگی ایران به آمریکا، جای پای این کشور را در ایران محکم‌تر می‌کرد.^۱ طی سال‌های ۱۳۳۲ هـ.ش. / ۱۹۵۳ م. تا ۱۳۳۹ هـ.ش. / ۱۹۶۰ م.، معادل ۵۶۷ میلیون دلار کمک اقتصادی از طرف آمریکا به ایران داده شد.^۲ هم‌چنین بانک صادرات و واردات آمریکا، وام‌های کلانی در اختیار ایران قرار داد و دولت ایالات متحده نیز در بانک جهانی اقداماتی به عمل آورد که وام‌هایی به ایران داده شود. کمک‌های قابل ملاحظه آمریکا به ایران موجب تقویت حکومت و سرعت گرفتن رشد اقتصادی گردید و آن دولت را قادر ساخت تا اعتبارات بیشتری به امنیت داخلی، خدمات اجتماعی و دیگر بخش‌های مفید از حیث سیاسی اختصاص دهد.^۳

مهم‌ترین کمک‌ها و قراردادهای اقتصادی بین سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۱ بین ایران و آمریکا به قرار ذیل می‌باشد:

۱۸ اردیبهشت ۳۵، هفت میلیون دلار به عنوان اولین قسط کمک بلاعوض آمریکا به ایران پرداخت شد.^۴

۱۸ خرداد ۳۵، سیزده میلیون دلار کمک بلاعوض آمریکا به بانک ملی ایران پرداخت شد.

۵ تیر ۳۶، در یکصدمین جلسه کمیسیون مشترک ایران و آمریکا، مبلغ ۵۳۵۰۰۰۰ دلار برای اجرای شش طرح از جمله کمک به سیستم تلفن سراسری ایران به تصویب رسید.

۲۶ اسفند ۳۶، دولت آمریکا برای بهبود محصولات صادراتی ایران، نیم میلیون دلار به ایران کمک خواهد کرد.

۱۶ شهریور ۳۷، قراردادی به مبلغ ۴ میلیون دلار برای توسعه و تکمیل کارخانه دخانیات ایران و آمریکا به امضا رسید.

۱۷ دی ۳۷، قرارداد پرداخت وامی به سازمان برنامه و بودجه به مبلغ ۴۷ میلیون و پانصد هزار دلار از سوی صندوق وام‌های عمرانی آمریکا به منظور اجرای برنامه هفت‌ساله دوم ایران به امضا رسید.

اسفند ۳۷، قرارداد نفتی ایران و شرکت نفتی پان آمریکن به امضا رسید.

۲۷ فروردین ۳۹، موافقت‌نامه بازرگانی ایران و آمریکا به تصویب رسید.^۵

۱. ملک‌محمدی، حمیدرضا، *ژاندارم و ژنرال؛ نگاهی به روابط ایران و آمریکا در دوره پهلوی دوم* (تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۵)؛ ص ۱۲۹.

۲. بیل، جیمز، *شیر و عقاب؛ روابط بدفرجام ایران و آمریکا*، ترجمه فروزنده برلیان، ج ۱ (تهران: فرهنگ نشر نو، ۱۳۷۱)؛ ص ۱۹۲.

۳. گازیوروسکی، «روابط امنیتی ایران و ایالات متحده»، همان؛ ص ۴۰.

۴. ملک‌محمدی، همان؛ ص ۲۰۲.

۵. همان؛ صص ۲۰۸-۲۰۳.



سال	کل کمک	کمک بلاعوض	کمک به صورت وام	عطایای اقتصادی
۱۹۵۵	۹۰/۷	۵۸/۷	۳۲/-	۴۳/۲
۱۹۵۶	۹۷/۷	۸۵/۳	۱۲/۴	۶۲/۳
۱۹۵۷	۱۳۸/۵	۱۱۵/۵	۲۳	۳۳/-
۱۹۵۸	۱۵۸/-	۱۱۷/-	۴۰/-	۱۲/۱
۱۹۵۹	۱۳۲/۶	۹۴/۳	۳۷/۷	۹/۷
۱۹۶۰	۱۲۳/۴	۱۲۳/۴	۰	۳۸/۱
۱۹۶۱	۱۴۶/۸	۹۴/۹	۵۱/۹	۳۶/۳

کمک‌های آمریکا به ایران طی سال‌های ۱۹۵۵-۱۹۶۱ بر حسب دلار جاری آمریکا^۱

تصویب قوانین اقتصادی در مجالس نوزدهم و بیستم

از جمله قوانینی که جنبه اقتصادی دارد و در فواصل سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۱ به تصویب مجلس شورای ملی رسیده، به شرح ذیل است:

در ۲۳ مرداد ۱۳۳۴، بین ایران و آمریکا قرارداد دوستی و روابط اقتصادی و حقوق کنسولی که مذاکرات آن از سال ۱۳۲۷ آغاز شده بود، به امضا رسید.^۲ این لایحه به ۳ کمیسیون بازرگانی، دارایی و کمیسیون امور خارجی، جهت بررسی ارجاع داده شد.^۳ سرانجام در ۲۸ اسفند ۱۳۳۵، این قرارداد تحت عنوان قانون مربوط به عهدنامه مودت و روابط اقتصادی و حقوق کنسولی بین ایران و دولت متحده آمریکا، که مشتمل بر یک مقدمه و بیست و سه ماده بود، در جلسه سه‌شنبه بیست و هشتم اسفند ماه یک هزار و سیصد و سی و پنج به تصویب مجلس نوزدهم شورای ملی رسید. در گزارش کمیسیون بازرگانی به مجلس شورای ملی آمده است:

کمیسیون بازرگانی برای شور دوم لایحه شماره ۱۵۸۵ دولت راجع به عهدنامه مودت و روابط اقتصادی و حقوق کنسولی بین ایران و آمریکا را با حضور نماینده دولت مطرح نموده؛ با توجه به مواد قرارداد، بالنسبه ماده واحده گزارش شور اول را تأیید و اینک گزارش آن را برای شور دوم تقدیم می‌دارد. ماده واحده - عهدنامه مودت و روابط اقتصادی و حقوق کنسولی بین ایران و آمریکا که مشتمل به یک مقدمه و بیست و سه ماده می‌باشد و در تاریخ بیست و سوم مرداد ماه ۱۳۳۴ مطابق با پانزدهم اوت ۱۹۵۵ در تهران به امضا رسیده است، تصویب و به دولت اجازه مبادله اسناد مصوبه داده می‌شود. مخبر کمیسیون بازرگانی - خرازی ... رئیس - مخالفی نیست؟ [اظهاری نشد] رأی گرفته می‌شود؛ به ماده واحده؛ آقایان موافقین قیام فرمایند. [اغلب برخاستند] تصویب شد.^۴

متن این عهدنامه به این قرار می‌باشد:

۱. گازیوروسکی، دیپلماسی شاه و آمریکا، همان؛ ص ۲۳۰.

۲. یاقموری، بشیر، اسناد معاهدات ایران با سایر دول، ج ۲ (تهران: انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۰).

۳. مشروح مذاکرات مجلس، همان؛ جلسه ۵۶.

۴. همان؛ جلسه ۷۶.

چون دولت شاهنشاهی ایران و دولت متحده آمریکا مایل‌اند مناسبات دوستانه‌ای را که از دیرزمان بین مردم این دو کشور، موجود بوده است، به نحو مؤکدی مورد توجه قرار دهند و اصول عالی‌های را که برای تنظیم امور بشری، ملزم به رعایت آن می‌باشند، بار دیگر تأیید کنند و بازرگانی و به کار انداختن سرمایه و روابط نزدیکتر اقتصادی را به طور کلی بین مردم این دو کشور و به نفع طرفین تشویق نمایند و مناسبات کنسولی را تحت نظم و قاعده درآورند، لذا به انعقاد عهدنامهٔ مودت و روابط اقتصادی و حقوق کنسولی بر اساس رفتار مساوی متقابل مصمم گردیده‌اند.^۱

حدود چهار ماه بعد در تاریخ ۲۰ تیر ۱۳۳۶، قانونی تحت عنوان قانون جلب سرمایه‌های خصوصی کشورهای متحده آمریکا شمالی به تصویب مجلس شورای ملی رسید. این قانون راه را برای حضور بیشتر آمریکا در اقتصاد ایران باز کرد. نکتهٔ جالب اینکه این مادهٔ واحده بدون اعلام مخالفتی از سوی نمایندگان تصویب شد. در صورت جلسهٔ مجلس در این باره آمده است:

مقام معظم ریاست مجلس شورای ملی! امضاکنندگان زیر تقاضا داریم جلب سرمایه‌های خصوصی کشورهای متحده آمریکا به قید یک فوریت مطرح بشود. مراد اریه - آقایان مرآت اسفندیاری، دکتر سید امامی، دکتر حسین پیرنیا، ابتهاج، عمیدی نوری، مجید ابراهیمی، دکتر دیبا، بوربور، مرتضی حکمت، رستم امیریختیار، محمودی، دکتر فریدون افشار و چند امضای دیگر ...

رئیس - در فوریت اول، مخالفی نیست؟ [اظهاری نشد] رأی گرفته می‌شود؛ به فوریت این لایحه، آقایانی که موافق‌اند، قیام فرمایند [اغلب برخاستند] تصویب شد. رئیس - رأی گرفته می‌شود؛ برود در مادهٔ واحده؛ آقایان موافقین قیام فرمایند. [اغلب برخاستند] تصویب شد. در مادهٔ واحده، مخالفی نیست؟ رأی گرفته می‌شود؛ به مادهٔ واحده؛ آقایانی که موافق‌اند، قیام فرمایند [اکثر برخاستند] تصویب شد ... چون این لایحه از مجلس سنا رسیده و جریانش تکمیل است، به دولت ابلاغ می‌شود.^۲

مهم‌ترین سرمایه‌گذاری خصوصی، مربوط به طرحی بود که در سال ۱۳۳۳ ه.ش. / ۱۹۵۷ م. بین سازمان برنامهٔ ایران و شرکت نیویورکی توسعه و منابع انجام پذیرفت. این پروژهٔ بسیار گسترده و پردامنه که برای توسعه و عمران استان خوزستان در نظر گرفته شده بود، ساختن سدها و احداث شبکه‌ای وسیع با سیستم نوین آبیاری را دربرمی‌گرفت.^۳ به طور کلی در فاصلهٔ سال‌های ۱۳۵۷-۱۳۵۶ ه.ش. / ۱۹۷۸ م. حدود ۵۰۰ شرکت آمریکایی، ۷۰۰ میلیون دلار در ایران سرمایه‌گذاری کرده بودند و ۱۲ بانک بزرگ آن کشور، ۲/۲ میلیارد دلار دارایی در ایران داشتند.^۴ از طرف دیگر، پس از قرارداد کنسرسیوم، شرکت ملی نفت ایران با برخی از شرکت‌ها وارد قراردادهای جدید شد. دورهٔ بیست‌سالهٔ ۱۳۵۳-۱۳۳۳ را می‌توان فصل نوین تحولات پویا و چشمگیر در ترتیبات قراردادی به حساب آورد. در این دوران، زمان انعقاد قراردادهای امتیازی در کشور به پایان رسیده و قراردادهای مشارکت در تولید و خدمت، به ترتیب به جمع توافقات قراردادی صنعت نفت کشور پیوستند. اولین قرارداد مشارکتی در تاریخ صنعت نفت ایران، قرارداد آجیب مینر اریا

۱. «قانون مربوط به عهدنامهٔ مودت و روابط اقتصادی و حقوق کنسولی بین ایران و دولت متحده آمریکا»، سایت مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (سامانهٔ قوانین).

۲. مشروح مذاکرات مجلس، همان؛ جلسهٔ ۱۱۰.

۳. ملک محمدی، همان؛ ص ۹۲.

۴. همان؛ ص ۱۳۷.



بود.^۱ قرارداد مذکور قراردادی با شرکت ایتالیایی بود. دومین قرارداد مشارکتی که در این مقاله حائز اهمیت است، قرارداد با شرکت نفت پان‌آمریکن بود. این قرارداد که در اردیبهشت ۱۳۳۷ با شرکت پان‌آمریکن کورپوریشن به امضا رسید،^۲ در تاریخ ۱۸ اردیبهشت ۱۳۳۷، با عنوان قانون مربوط به موافقت‌نامه تفحص و اکتشاف و بهره‌برداری و فروش نفت بین شرکت ملی نفت ایران و شرکت سهامی پان‌آمریکن پترولیوم کورپوریشن که مشتمل بر ۴۵ ماده و یک ضمیمه بود، به تصویب مجلس شورای ملی نیز رسید.^۳ در گزارش کمیسیون خاص نفت به مجلس شورای ملی، در این باره آمده است:

موافقت‌نامه موسوم به ایران پان‌آمریکن که اکنون گزارش آن به عرض نمایندگان محترم می‌رسد، سومین لایحه نفت است که پس از ملی شدن صنعت نفت به منظور بهره‌برداری از منابع نفت کشور ایران تنظیم و از طرف دولت به مجلس شورای ملی تقدیم گردیده است. نفت در قسمت وسیعی از خاک کشور به حد وفور موجود است و به منزله گنجینه‌ای محسوب می‌شود و با استفاده از این موهبت طبیعی می‌توان گام‌های بلندی در راه ترقی و تعالی برداشت و بهره‌برداری از منابع نفت برای بهبود وضع اقتصادی و بالا بردن سطح تولید و انجام امور مهم اجتماعی که مستلزم داشتن درآمدهای سرشار و کافی می‌باشد، بی‌نیامت، ضروری است ... موافقت‌نامه حاضر، یک موافقت‌نامه مشارکتی است که بین شرکت ملی نفت ایران و شرکت پان‌آمریکن پترولیوم کورپوریشن بر اساس قانون نفت مورخ ۱۳۳۶/۴/۱۵ منعقد شده ... رئیس - رأی گرفته می‌شود به ماده واحده و مجموع لایحه؛ آقایانی که موافق‌اند، قیام فرمایند [اکثر برخاستند] تصویب شد. به مجلس سنا فرستاده می‌شود.^۴

حدود ده ماه بعد در تاریخ ۱۰ اسفند ۱۳۳۷، قانون راجع به اجازه تحصیل ۴۷/۵ میلیون دلار وام از صندوق وام‌های عمرانی آمریکا پس از اظهار ملاحظات مجلس سنا به تصویب مجلس شورای ملی رسید.^۵ هم‌چنین در ۳۰ دی ۱۳۳۸، قانونی راجع به اجازه تحصیل مبلغ بیست و پنج میلیون دلار وام از صندوق وام‌های آمریکا در مجلس شورای ملی مورد تصویب قرار گرفت.^۶

نکته قابل توجه راجع به تمامی مصوبات اقتصادی مطرح شده، این است که تمامی این مصوبات که شامل عهدنامه مودت، قانون جلب سرمایه‌های خصوصی کشورهای متحده آمریکا، شمالی، قانون مربوط به موافقت‌نامه تفحص، اکتشاف و بهره‌برداری و فروش نفت و دو قانون مربوط به اجازه تحصیل وام از صندوق وام‌های آمریکاست، بلافاصله پس از مطرح شدن توسط کمیسیون خاص بدون ارائه نطق خاصی از طرف نمایندگان مجلس در صحن علنی مجلس با رأی اکثریت یا تمام نمایندگان، به تصویب مجلس شورای ملی می‌رسد. با مراجعه به جلسات ۵۶، ۵۷، ۱۱۰، ۱۹۱، ۲۷۷ و ۳۷۳ صحت این ادعا ثابت می‌شود.

۱. شکوهی، محمدرضا، و الیاس نادران، «تاریخ تحولات قراردادهای صنعت نفت ایران»، *تاریخ ایران*، ش: ۶۷، سال ۱۳۸۹؛ صص ۷۷-۱۱۰.

۲. همان؛ ص ۹۴.

۳. *مشروح مذاکرات مجلس*، همان؛ جلسه ۱۹۱.

۴. همان؛ جلسه ۱۹۱.

۵. همان؛ جلسه ۲۷۷.

۶. «قانون راجع به اجازه تحصیل مبلغ بیست و پنج میلیون دلار وام از صندوق وام‌های آمریکا»، قابل دسترس در: سایت مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (سامانه قوانین).

اصلاحات ارضی

برغم تحکیم موفقیت‌آمیز رژیم جدید در ایران، سیاست‌گذاران آمریکا، هم‌چنان نگران احتمال وقوع مجدد ناآرامی در ایران بودند. این نگرانی در سال‌های ۱۳۳۶-۱۳۳۵ ه.ش. / ۱۹۵۷-۱۹۵۶ م. به سرعت بالا رفت زیرا توفان ملی‌گرایی، خاورمیانه را در بر گرفته بود. بسیاری از مقاله‌های نوشته‌شده از سوی شورای امنیت ملی آمریکا دربارهٔ رهنمود سیاسی نسبت به ایران، گویای رشد ناآرامی سیاسی بوده و پیشنهاد شده بود که برای ایجاد اصلاحات سیاسی و اقتصادی بر دولت ایران فشار وارد گردد. در سال ۱۹۵۸، سیاست‌گذاران آمریکا، دربارهٔ وضع سیاسی داخل ایران، پس از گزارش چند توطئه برای ایجاد کودتا در ایران و نیز با توجه به سرنگونی رژیم پادشاهی در عراق، نگران‌تر شدند. بنابراین به سفیر آمریکا و رئیس پایگاه سیا در تهران دستور داده شد تا برای اصلاحات بر شاه فشار وارد آورند.^۱ در این راستا کابینهٔ دکتر اقبال در تاریخ ۱۴ آذر ۱۳۳۸، لایحه‌ای را تحت عنوان اصلاحات ارضی برای رسیدگی و تصویب به مجلس شورای ملی تقدیم نمود.^۲ سرانجام قانون مربوط به اصلاحات ارضی در سی و هشت ماده و نوزده تبصره، در جلسهٔ سه‌شنبه بیست و چهارم اسفند ماه ۱۳۳۸ به تصویب مجلس شورای ملی، و در اردیبهشت ۱۳۳۹ از تصویب مجلس سنا گذشت،^۳ ولی مخالفت اقشار مختلف مردم با اجرای این قانون و صدور اعلامیهٔ علما به‌ویژه آیت‌الله بروجردی، مرجع تقلید شیعیان مبنی بر اینکه قانون مزبور برخلاف شریعت اسلام و قانون اساسی است،^۴ باعث شد که هیچ‌گاه قدمی در راه اجرای این قانون برداشته نشود و تا روی کار آمدن علی امینی صحبتی از اجرای اصلاحات ارضی به میان نیاید.^۵ مجلس بیستم نیز که در سیطرهٔ زمین‌دارانی بود که ۹۹ کرسی از ۱۷۶ کرسی را به خود اختصاص داده بودند، قادر نبود در شرایطی که نظام بین‌الملل وارد مرحلهٔ تنش‌زدایی می‌شد و بر ضرورت انجام اصلاحات اجتماعی در ایران تأکید می‌ورزید، مؤثر واقع شود؛ به این دلیل، عمر این مجلس دو ماه بیشتر طول نکشید و با استعفای شریف امامی و به قدرت رسیدن علی امینی، به فرمان شاه منحل شد. مقصود علی امینی که با حمایت آمریکا به سمت نخست‌وزیری منصوب شد، از انحلال مجلس این بود که می‌خواست مانعی در سر راه اقدامات خود نداشته باشد و در مدت حدود دو سال فترت مجلس بیشترین فایده را از تعطیلی مجلس ببرد.^۶ بنابراین حسن ارسنجانی وزیر کشاورزی لایحهٔ اصلاحات ارضی مصوب ۲۶ اردیبهشت ۱۳۳۹ را اصلاح و در جلسهٔ ۱۹ دی ۱۳۴۰ هیئت دولت در غیاب مجلسین در هشت فصل و ۳۸ ماده تصویب کرد و آن را به عنوان قانون اصلاحات ارضی پذیرفت و به اجرا گذاشت.^۷

۱. گازیوروسکی، دیپلماسی شاه و آمریکا، همان؛ صص ۲۲۱-۲۲۰.

۲. مشروح مذاکرات مجلس، همان؛ جلسهٔ ۳۵۵.

۳. همان؛ جلسهٔ ۳۹۲.

۴. روحانی، حمید، بررسی تحلیلی از نهضت امام خمینی (تهران: نشر احرار، ۱۳۶۰)؛ ص ۹۱.

۵. ازغندی، همان؛ ص ۱۷۴.

۶. نجاتی، غلامرضا، تاریخ سیاسی بیست و پنج سالهٔ ایران از کودتا تا انقلاب، ج ۱ (تهران: رسا، ۱۳۸۰)؛ ۱۷۰.

۷. همان؛ ص ۱۸۰.



روابط نظامی

روابط نظامی بین ایران و آمریکا که تا قبل از دهه ۱۳۳۰ بسیار کم‌رنگ بود، در دهه ۳۰ و بالأخص پس از کوتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ وارد مرحله جدیدی شد. علاقه آمریکا به ایران پس از کودتای ۱۳۳۲، بیشتر به خاطر نقش حساس ایران در استراتژی دفاع پیرامونی بود. قرار داشتن ایران بین اتحاد شوروی و خلیج فارس باعث شده بود تا این کشور نخستین هدف عملیات براندازی شوروی در زمان صلح و احتمالاً هدف نظامی آن کشور در صورت بروز یک جنگ عمومی باشد؛ از این رو سیاست‌گذاران آمریکا در پی آن بودند که قابلیت‌های نظامی ایران را تقویت کنند. به‌علاوه مرزهای طولانی ایران با شوروی و نزدیکی‌اش به تأسیسات آزمایشی موشک‌های شوروی در آسیای میانه، آن کشور را ابتدا به صورت پایگاه بارزشی برای عملیات جاسوسی فرامرزی، و از آغاز سال ۱۳۳۶هـ.ش / ۱۹۵۷م، برای استراق سمع الکترونیک و جمع‌آوری اطلاعات از اتحاد جماهیر شوروی درآورد.^۱

به طور کلی در زمینه همکاری‌های نظامی بین حکومت پهلوی و آمریکا، این مسئله را باید در دو زمینه بررسی کرد:

الف) کمک‌ها و قراردادهای نظامی

طی سال‌های ۱۳۴۰-۱۳۳۲هـ.ش / ۱۹۶۰-۱۹۵۳م. میزان کمک‌های نظامی آمریکا به ایران، به ۴۳۶ میلیون دلار رسید که حدود نیمی از مجموع کمک‌هایی بود که ایالات متحده آمریکا، طی همین سال‌ها به دیگر کشورهای جهان داده و همه این کمک‌ها بلاعوض بود.^۲ به طور کلی، آنچه برای رژیم شاه، به صورت وحشت دائمی درآمد، صیانت و حفظ موجودیتش بود که آن را از طریق نیروی نظامی قدرتمند میسر می‌پنداشت. با این حال، تصمیم نهایی به گسترش توانایی‌های نظامی ایران تا اوایل ۱۳۳۶هـ.ش / ۱۹۵۷م. اتخاذ نشد. تصمیم قاطع به گسترش کمک نظامی آمریکا به ایران، در این سال اتخاذ شد و کمک نظامی آمریکا را به ایران شدیداً افزایش داد؛^۳ یعنی زمانی که کنگره دکتین آیزنهاور را مورد بحث قرار داده و جزئیات برنامه نوین کمک در ماه‌های بعد تنظیم و به اجرا گذاشته شد،^۴ کمک نظامی آمریکا به ایران طی سال مالی ۱۳۳۶-۱۳۳۵هـ.ش / ۱۹۵۷-۱۹۵۶م. به شدت افزایش یافت و ایران را قادر ساخت تا هزینه‌های نظامی خود را ۶۹ درصد افزایش دهد. این افزایش شدید در کمک نظامی، از راه کاهش کمک اقتصادی جبران می‌شد. از ۲۴۰ میلیون دلار کمک نظامی که در اوایل سال ۱۳۳۶هـ.ش / ۱۹۵۷م. برای سال‌های مالی ۱۳۳۷-۱۳۳۹ در نظر گرفته شد، ۴۷ درصد آن به خرید لوازم و تجهیزات نظامی، از جمله هواپیماهای جنگنده اف-۸۴ جی. و هواپیماهای نوع دیگر، ناوچه جنگی، تانک، زره‌پوش، کامیون، توپخانه، دستگاه‌های مخابراتی، سلاح‌های سبک و مهمات برای مصرف سی روز، اختصاص یافت. ۳۹ درصد دیگر در راه اجرای

۱. گازیوروسکی، «روابط امنیتی ایران و ایالات متحده»، همان؛ ص ۳۹.

۲. نجاتی، همان؛ ص ۵۱۷.

۳. گازیوروسکی، سیاست خارجی آمریکا و شاه، ترجمه فریدون فاطمی (تهران: انتشارات مرکز، ۱۳۷۱)؛ ص ۱۹۲.

۴. همو، دیپلماسی شاه و آمریکا، همان؛ ص ۲۴۴.

طرح‌های راه و ساختمان نظامی، از جمله جاده ارتباطی، پادگان‌ها، فرودگاه‌های نظامی در تهران، دزفول و قم به مصرف رسید؛ باقی‌مانده آن نیز برای هزینه‌های آموزش (نظامی) و حمل و نقل به کار رفت.^۱ مهم‌ترین قرارداد و پیمان نظامی در فواصل سال‌های ۱۳۴۰-۱۳۳۵، پیمان سنتو و پیمان دوجانبه نظامی بین ایران و آمریکا بود که ادامه روند پیمان بغداد به شمار می‌رفتند. پیمان بغداد از جمله مهم‌ترین اقدامات دولت آمریکا مانند پیمان ناتو (آتلانتیک شمالی)، جهت تثبیت برتری خود و مقابله با توسعه‌طلبی ایدئولوژیکی و نظامی شوروی، به شمار می‌رفت. اگرچه دولت آمریکا از گرداندگان اصلی این پیمان و تأمین‌کننده بخش عمده‌ای از هزینه‌های نظامی پیمان بغداد بود اما به دلایلی از جمله عدم رویارویی علنی با دولت شوروی و جلوگیری از شدت یافتن مخالفت‌های برخی کشورهای عربی به‌ویژه مصر، اردن و سوریه، از یک طرف، و از طرف دیگر به دلیل آنکه در آن زمان هنوز منطقه خاورمیانه تحت نفوذ اختصاصی انگلیس بود، به پیمان مزبور ملحق نگشت. دولت آمریکا بیشتر تمایل داشت تا به عنوان عضو ناظر با کشورهای عضو پیمان بغداد همکاری کند و بر فعالیت‌های کمیسیون نظامی و اقتصادی آن نظارت داشته باشد.^۲

این پیمان ابتدا میان عراق و ترکیه در ۵ اسفند ۱۳۳۲ / ۲۴ فوریه ۱۹۵۵، در هشت ماده و یک مقدمه و دو نامه تفسیری برای مدت پنج سال با حمایت و پشتیبانی آمریکا و انگلیس به امضا رسید.^۳ در ماده ۵ آن آمده بود که این پیمان برای قبول عضویت کشورهای عضو جامعه عرب یا هر کشور دیگری که به صورت جدی در امر صلح و امنیت خاورمیانه علاقه‌مند باشد و از طرف هر دو کشور امضاکننده (ترکیه و عراق) به رسمیت شناخته شود، آمادگی دارد. در همین راستا دولت‌های انگلیس، پاکستان و ایران نیز به این پیمان پیوستند و چون در بغداد، آخرین مراحل برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری‌ها و امضای پیمان مشترک نظامی - سیاسی انجام گرفت، لذا به نام پیمان بغداد معروف گشت.^۴

اولین بار در زمان نخست‌وزیری حسین علاء (۱۳۳۴)، مقرر شد تا ایران به پیمان بغداد بپیوندد. حمایت محمدرضا شاه از پیمان و پیوستن به آن، از جمله برنامه‌هایی بود که وی در عرصه سیاست خارجی خویش دنبال می‌کرد. از نظر شاه، پیمان بغداد با اینکه دارای جاذبه قرارداد سعدآباد زمان پدرش رضا شاه بود اما با آن قرارداد، تفاوت‌های ویژه‌ای داشت؛ از جمله اینکه پیمان بغداد علاوه بر شرکت دولت انگلیس در آن، بر حمایت و پشتیبانی دولت آمریکا استوار شده بود.^۵ از نظر محمدرضا شاه، امنیت ملی، از امنیت داخلی جدا نبود و امنیت داخلی، با امنیت نظام پادشاهی و خاندان سلطنتی پیوستگی داشت. دولت شوروی

۱. همان؛ ص ۲۴۵.

۲. جعفری، علی و مرضیه یحیی‌آبادی، «بررسی پیمان بغداد؛ زمینه‌ها، آثار و نتایج آن در ایران»، پیام بهارستان، ش: ۱۷، سال ۱۳۹۱؛ ص ۱۸۵.

۳. علی‌بابایی، غلامرضا، فرهنگ علوم سیاسی، ج ۲ (تهران: ویس، ۱۳۶۹)؛ صص ۱۲۹-۱۲۸.

۴. فردوست، حسین، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی؛ جستارهایی از تاریخ معاصر ایران، ج ۱ (تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۷۰)؛ ص ۵۳۳.

۵. آوری، پیتیر، تاریخ معاصر ایران (از کودتای ۲۸ مرداد تا اصلاحات ارضی)، ج ۳، ترجمه محمد رفیعی‌مهرآبادی (تهران: مؤسسه انتشارات عطایی، ۱۳۷۱)؛ ص ۱۳۸.



تهدید بالقوه و بالفعل خارجی علیه امنیت ملی ایران به شمار می‌رفت. مهم‌ترین تهدیدکننده داخلی، اختلال‌گری‌های کمونیست‌ها ضد امنیت ایران و از بُعد خارجی دولت شوروی بود. بنابراین از نظر شاه، اساسی‌ترین و مهم‌ترین وسیله برخورد و مقابله با این تهدید - چه داخلی و چه خارجی - پیوستن به پیمان بغداد و بهره‌مندی از توان یک قدرت برتر خارجی یعنی آمریکا بود.^۱

دکتر علی امینی وزیر دادگستری در کابینه حسین علاء در بیان توجیه این مسئله، در مجلس گفت:

ما سیاست بی‌طرفی را با تسلیم و سستی در کنار عهدنامه ترکمانچای دفن می‌کنیم. با تصویب الحاق ایران به پیمان بغداد، صفحه اول تاریخ ایران نوین را باز می‌کنیم.^۲

علاء، این‌گونه استدلال می‌نمود که صلح و امنیت جهانی و صلح و امنیت منطقه خاورمیانه، همواره مورد توجه دولت ایران بوده است و دولت ایران نمی‌تواند نسبت به این موضوع، بی‌علاقه باشد.^۳ دکتر شاهکار، نماینده مجلس هجدهم، ضمن تبریک به دولت ایران در جهت گام گذاشتن در این مسیر، پیوستن به این پیمان را تقویت مملکت ایران از نظر دفاعی دانست. هم‌چنین رضایی به عنوان عضو دیگری از نمایندگان این مجلس، با استناد به ماده ۵۱ منشور ملل متحد، ملحق شدن به این پیمان را حق هریک از دول عضو سازمان ملل متحد، جهت دفاع جمعی و فردی از خودشان دانست و اظهار داشت که ما به موجب ماده ۵۱ به این پیمان همکاری متقابل ملحق می‌شویم.^۴

از طرف دیگر دولت شوروی در اعلامیه ۲۰ مهر ۱۳۳۴ / ۱۲ اکتبر ۱۹۹۵، پیمان بغداد را «پیمانی تجاوزگرانه» خواند و آن را نوعی گروه‌بندی نظامی در خاور نزدیک و خاورمیانه دانست که در دست گروه‌های متجاوز است و این پیمان به تحکیم صلح و امنیت بین‌الملل زیان می‌رساند و یادآوری کرد که ورود ایران به این پیمان با مناسبات حسن همجواری ایران و شوروی مغایرت دارد. دولت شوروی هدف از این گروه‌بندی را محکم کردن قید و بندهای استعماری در این کشورها تلقی کرد^۵ ولی ایران پیوستن به پیمان بغداد را دفاع از حق حاکمیت خود اعلام نمود و آن را در چارچوب مقررات بین‌المللی و موافق منشور ملل متحد دانست.

سرانجام در روز ۳۰ مهر ۱۳۳۴ / ۱۱ اکتبر ۱۹۵۵، در زمان نخست‌وزیری علاء، الحاق ایران به پیمان بغداد به تصویب مجلس هجدهم شورای ملی رسید.

رئیس - ماده واحده - الحاق دولت ایران به پیمان همکاری متقابل مورخ ۲۴ فوریه ۱۹۵۵ منعقد بین دولت پادشاهی عراق و دولت جمهوری ترکیه مشتمل بر هشت ماده که دولت انگلستان در تاریخ چهارم آوریل ۱۹۵۵ و دولت پاکستان در تاریخ بیست و سوم سپتامبر ۱۹۵۵ به آن ملحق شده‌اند، تصویب می‌شود.^۶

۱. جعفری، همان؛ ص ۱۸۷.

۲. مشروح مذاکرات مجلس، دوره هجدهم، جلسه ۱۶۳.

۳. روزنامه اطلاعات (مورخ ۳۰ مهر ۱۳۳۴).

۴. مشروح مذاکرات مجلس، همان؛ جلسه ۱۶۳.

۵. گرانتوسکی، ا. آ. و دیگران، تاریخ ایران از زمان باستان تا امروز، ترجمه کیخسرو کشاورزی (تهران: پوش، ۱۳۵۹)؛ ص ۵۵۷.

۶. مشروح مذاکرات مجلس، همان؛ جلسه ۱۶۳.

ایران با پیوستن به پیمان بغداد، همراهی و هم‌پیمانی با بلوک غرب را پذیرفت و از سیاست بی‌طرفی بیرون آمد. بنابراین اولین نشانه‌ی جدید همبستگی نظامی میان ایران و آمریکا را باید در پیمان بغداد جستجو نمود^۱ اما در واقع این پیمان به جای تأمین امنیت خاورمیانه، جنگ سرد را در منطقه ژئواستراتژیک خاورمیانه گسترش داد و آن را به کانون جنگ سرد تبدیل کرد. تنها دستاوردهای کشورهای جهان سوم از عضویت در این پیمان‌ها، کمک‌های به ظاهر مالی، فنی یا تجهیزات جنگی بود که از دنیای غرب می‌رسید.^۲

کودتای ژنرال عبدالکریم قاسم، فرمانده نیروی مسلح عراق در ۲۳ تیرماه ۱۳۳۷ / ۱۴ جولای ۱۹۵۸ پیمان بغداد را وارد مرحله‌ی جدیدی کرد. از جمله آثار کودتای نظامی عبدالکریم قاسم در عراق در سال ۱۳۳۷ / ۱۹۵۸، در درجه‌ی اول خروج دولت عراق از پیمان بغداد، انتقال مرکزیت آن از بغداد به آنکارا پایتخت ترکیه و در نهایت تغییر نام پیمان بغداد به سازمان پیمان مرکزی «سنتو» بود. دولت ایران همراه با ترکیه، پاکستان، انگلیس و آمریکا بدون عضویت دولت عراق در این پیمان شرکت کرد. پیمان جدید سنتو، پیمانی برای دفاع متقابل بر ضد تجاوز کمونیسم بود. مهم‌ترین اثر و نتیجه‌ی این کودتا بر روند سیاست خارجی ایران، رابطه و نزدیکی هرچه بیشتر دولت ایران به سوی بلوک غرب و به‌ویژه دولت آمریکا بود که بعدها با امضای قرارداد نظامی دوجانبه میان دو دولت، نمود عملی پیدا کرد.^۳

در این رابطه، در ۱۴ اسفند ۱۳۳۷، موافقت‌نامه‌ای مشتمل بر یک مقدمه و ۶ ماده از سوی سرلشکر ارفع سفیر ایران و «فلچروان» سفیر آمریکا در آنکارا به امضا رسید و در ۱۶ اسفند ۱۳۳۷ جهت تصویب به مجلس نوزدهم شورای ملی ارائه گردید^۴ و یک روز بعد یعنی در ۱۷ اسفند از تصویب مجلس شورای ملی گذشت.^۵

در این رابطه مشایخی (نماینده مجلس نوزدهم)، با خطاب قرار دادن دولت آمریکا به «دولت طالب صلح، امنیت و آرامش در جهان»، موافقت خود را با این لایحه ابراز می‌دارد:

دولت آمریکا طالب صلح، امنیت و آرامش دنیاست و بالأخص حفظ استقلال و تمامیت کشور شاهنشاهی ایران را برای منافع ملی خود و صلح جهانی، امری حیاتی تشخیص می‌دهد و چون کشور ایران هم همین رویه را تعقیب می‌کند و طرفین منظور مشترک دارند لذا موافقت‌نامه‌ی مورد بحث را که فقط و فقط جنبه‌ی تدافعی دارد، منعقد می‌نمایند. کشور ایران، آزاد و مستقل است؛ کشور ایران، تابع منشور ملل متحد است و طبق ماده‌ی ۵۱ منشور ملل متحد از حق خود در اشتراک مساعی با دولت هم‌پیمان برای امنیت و دفاع خود استفاده می‌کند. ایده‌آل و تصمیم ملت ایران همیشه این بوده است که با صلح و صفا زندگانی کند و مورد تجاوز دیگران قرار نگیرد و موافقت‌نامه‌ی حاضر، متضمن همین منظور می‌باشد ... بنده به نوبت خود با سیاست خارجی دولت، کمال موافقت دارم و یقین دارم که این روش دولت، ضامن استقلال و آزادی و تمامیت کشور ایران خواهد بود و در حفظ صلح دنیا نیز تأثیر دارد.

۱. ازغندی، علیرضا، روابط خارجی ایران (۱۳۵۷-۱۳۳۰) (دولت دست‌نشانده) (تهران: قومس، ۱۳۷۹)؛ ص ۲۷۰.

۲. شهیدزاده، حسین، ره‌آورد روزگار (تهران: البرز، ۱۳۷۸)؛ ص ۲۲.

۳. جعفری، همان؛ ص ۱۹۴.

۴. مشروح مذاکرات مجلس، دوره نوزدهم؛ جلسه ۲۸۰.

۵. همان؛ جلسه ۲۸۱.



هم‌چنین فضائلی به عنوان عضو دیگری از مجلس نوزدهم، در این رابطه می‌گوید:

ایران در شمار اولین ممالکی بود که به جامعه ملل گذشته و سازمان ملل فعلی پیوست و همیشه به اصول آن وفادار و مؤمن بود و همواره مملکت ما از طرفداران جدی صلح جهانی بوده است [صحیح است]. کلیه آراء و پیشنهادهای نمایندگان ما در جوامع بین‌المللی، مؤید تصمیم ملی ما بر پایداری و استقرار صلح جهانی بوده است. در کلیه اختلافاتی که میان ملل پیش می‌آمده، نمایندگان ما چه در جامعه ملل و چه در جامعه سازمان ملل همواره طرفدار راه حل مسالمت‌آمیز و اتخاذ طریقه صلح‌جویانه بوده‌اند [صحیح است] ... ما کشوری صلح‌جو و آرامش‌طلب هستیم. حسن‌نیت، بی‌غرضی و علاقه‌مندی به حفظ آرامش بیش از همه در خلال عبارات همین موافقت‌نامه همکاری دولت شاهنشاهی ایران و دولت کشورهای متحد آمریکا ظاهر و هویداست.^۱

بر اساس این موافقت‌نامه، طرفین موافقت کردند برای امنیت و دفاع خود، اشتراک مساعی کنند. ایالات متحده، متعهد گردید در صورتی که ایران مورد تجاوز قرار گیرد، بر طبق قانون اساسی، اقدامات مقتضی شامل استفاده از نیروی نظامی را به صورتی که مورد توافق طرفین باشد، به عمل آورد. در واقع با توجه به محتوای این موافقت‌نامه، روابط ایران با آمریکا در زمینه نظامی از حالت عادی و رسمی به وضعیت دست‌نشاندهی تغییر یافت.^۲ بنابراین روابط نظامی ایران و آمریکا که از جنگ جهانی دوم آغاز شده بود، در دهه ۱۳۳۰ و پیمان دوجانبه نظامی با آمریکا در اسفند ۱۳۳۷ مستحکم گردید.^۳

ب) حضور مستشاران نظامی آمریکا در ایران

از جنبه دیگر، یعنی از نظر حضور مستشاران نظامی آمریکا در ایران، می‌توان گفت که اولین گروه مستشاری نظامی ایالات متحده در ایران، هیئت مستشاری ژاندارمری بود که ریاست آن را سرهنگ نورمن شوارتسکف، رئیس سابق پلیس ایالات نیوجرسی بر عهده داشت. مأموریت اصلی این هیئت، تجدید سازمان ژاندارمری ایران بود. قرارداد مربوط به هیئت مستشاری ژاندارمری، در پاییز ۱۳۲۲/ نوامبر ۱۹۴۳ در کابینه علی سهیلی، به وسیله محمد ساعد وزیر خارجه ایران و سوئی دریفوس وزیر مختار ایالات متحده آمریکا در تهران به امضا رسید.^۴

رژیم شاه در دهه ۳۰، وابستگی تمام عیاری به آمریکا داشت. ارسال جنگ‌افزارهای مدرن به ایران، مستلزم آموزش افسران و درجه‌داران برای استفاده از این‌گونه وسایل بود و لزوم اعزام افراد متخصص نظامی و غیرنظامی را به ایران ایجاد می‌کرد؛ بدین منظور، وزارت دفاع آمریکا و کارخانه‌جات فروشنده تسلیحات و تجهیزات نظامی، هیئت‌هایی به ایران فرستادند.^۵ طی سال‌های پس از کودتا خیل عظیم مستشاران آمریکایی وارد ایران شدند که طبق آمار رسمی، تعداد افراد آمریکایی، اعم از مستشاران نظامی و هیئت‌هایی که از سوی پنتاگون و کارخانه‌جات و شرکت‌های فروشنده جنگ‌افزار که به ایران اعزام می‌شدند، دائماً رو به

۱. همانجا.

۲. ازغندی، همان؛ ص ۳۶۳.

۳. ملک‌محمدی، همان؛ ص ۱۳۹.

۴. نجاتی، همان؛ ص ۵۰۸.

۵. همان؛ ص ۵۳۴.

افزایش بود.^۱ به طور کلی پس از اینکه کمک‌های نظامی آمریکا به ایران میان سال‌های مالی ۱۹۵۶-۱۹۵۷ به شدت افزایش یافت، شمار مشاوران نظامی آمریکا در ایران و نیز شمار نفرت‌نظامی ایرانی که در آمریکا آموزش می‌دیدند، به سرعت رشد نمود.^۲

کارمندان مستشاری آمریکا که همگی در رده‌ی گروه‌باز بودند و جهت آموزش افسران و درجه‌داران به ایران اعزام شدند، تنها موجبات افزایش جرم و جنایت را در ایران فراهم کردند. اغلب آنان به دلیل مستی به هنگام رانندگی، مرتکب قتل می‌شدند که همین امر موجب نارضایتی مردم، احضار آنان به دادگستری و محاکمه آن‌ها می‌شد. بنابراین دولت آمریکا که نگران شرایط اوضاع جاسوسان خود بود، تصویب لایحه‌ی مصونیت مستشاران آمریکایی را در زمان نخست‌وزیری علی امینی (۱۳۴۰) از ایران خواستار شد. اما دولت علی امینی و دولت پس از وی (اسدالله علم) موقعیت طرح و اجرای طرح آمریکایی کاپیتولاسیون را به دست نیاوردند. بالأخره در زمان دولت حسنعلی منصور در تاریخ ۲۱ / ۷ / ۴۳، لایحه‌ی مصونیت مستشاران آمریکایی به تصویب مجلس شورای ملی رسید. چکیده‌ای از سخنان نمایندگان مجلس شورای ملی در مجلس، نشان از کمک به روند تسریع در تصویب این لایحه دارد؛

قراچورلو:

این توهم که چنین لایحه‌ای خدای نخواسته به حریم قانون اساسی تجاوز بکند، صحیح نیست، چون بزرگتر از همه و بالاتر از همه واقعاً شاهنشاه مملکت ما مراقب اوضاع و اجرای قوانین مملکتی هستند [صحیح است]. اگر خدای نخواسته روزی دولت حاضر که مورد حمایت اکثریت نمایندگان مجلس شورای ملی و حزب ایران نوین هستند، لایحه‌ای بیاورند که خدای نخواسته به حریم قانون اساسی تجاوز شده باشد، اطمینان داشته باشید که اولین مخالفت را با دولت، خود ما خواهیم کرد ... سیاست مملکت ما با دول خارج براساس احترامات متقابل بوده و هست و به قدری روشن است که هیچ‌گونه جای توهمی برای هیچ فردی در مملکت باقی نخواهد گذاشت. اعلی‌حضرت همایون شاهنشاه در نطق افتتاحیه‌ی مجلس سنا فرمودند مقدرات مملکت ما در داخل مملکت و به اراده‌ی خودمان تعیین می‌شود. [صحیح است] این، فرمایش شاه است؛ وقتی شاه مملکت می‌گوید مقدرات خودمان را خودمان تعیین می‌کنیم، توهم اینکه لایحه‌ای به مجلس بیاید و این لایحه، اختیار ما را به دست خارجی بسپارد، خبط و خطاست. اصولاً حتی توهمی نباید بکنیم و نباید داشته باشیم ... با رأی مثبتی که اکثریت به این لایحه خواهیم داد، دولت را در خدمت ملی و اجتماعی خودش تأیید خواهیم کرد و اطمینان داریم که این دولت خدمتگزار، به هیچ‌وجه راه ناصواب نخواهد رفت [احسن].

خواججه‌نوری:

امروز افرادی هستند به عنوان معلم و مستشار؛ این‌ها اختیاری در ارتش ما ندارند. پاره‌ای می‌ترسند که مبدا این‌ها از اختیارات خودشان استفاده بکنند. گروه‌بانی است، می‌آید طرز استفاده از بازو‌کا را یاد می‌دهد؛ خلبانی است، می‌آید طرز استفاده از طیاره‌جت را یاد می‌دهد؛ افسری که از لحاظ تاکتیکی، استفاده از سلاح‌های نو را یاد می‌دهد و اثرات استفاده از این سلاح‌های نو را از لحاظ تاکتیکی در ستاد ما بیان می‌کند؛ این‌ها همه معلم و مستشار هستند؛ این‌ها قدرت فرماندهی ندارند ... افسری قدرت فرماندهی

۱. شایسته‌پور، حمید، قدرت سرکوب رژیم پهلوی و انقلاب اسلامی ایران (تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۵)، ص ۹۸.

۲. گازیوروفسکی، دیپلماسی شاه و آمریکا، همان؛ ص ۲۴۵.

دارد که در ستاد، سمّت داشته باشد یا در رأس واحدها و اما اگر اشخاصی بیابند برای این افسرها و برای این فرماندهان واحد، معلّم باشند، اطلاعات فرماندهی به آنها بدهند، آنها اختیارات فرماندهی ندارند؛ دلیل ندارد کار به اطاله بکشد.^۱

سرانجام امتیاز کاپیتولاسیون، که یکی از محورهای مبارزاتی مردم ایران تا انقلاب ۱۳۵۷ بود، در حالی که چند ماه از پیروزی انقلاب می‌گذشت، در ۲۳ اردیبهشت ۱۳۵۸ برپایه مصوبه شورای انقلاب، به صورت رسمی لغو گردید.

سال	کمک‌نظامی آمریکا	فروش نظامی آمریکا	هزینه‌های نظامی ایران	آموزش‌دیدگان ارتش ایران	مشاوران نظامی آمریکا
۱۹۵۵	۱۵/۵	۰	۶۴/۷	۹۸	آمار میسر نبود.
۱۹۵۶	۲۳	۰	۸۱/۹	۲۲۷	۴۰۳
۱۹۵۷	۸۲/۵	۰	۱۳۸/۱	۳۶۳	۴۰۸
۱۹۵۸	۱۰۴/۹	۰	۱۶۸/۶	۶۶۰	۴۳۹
۱۹۵۹	۸۴/۶	۰	۲۰۷/۲	۱۹۰	۷۹۴
۱۹۶۰	۸۵/۳	۰/۱	۱۸۱/۶	۹۴۷	۷۰۴
۱۹۶۱	۵۸/۶	۰/۲	۱۸۷/۲	۳۴۶،۱	۵۷۳

کمک‌های نظامی آمریکا به ایران طی سال‌های ۱۹۶۱-۱۹۵۵م. بر حسب دلار جاری آمریکا^۲

نتیجه

در کلیه روابط بین ایران و آمریکا در دهه ۱۳۳۰، رابطه وابستگی رژیم شاه به آمریکا به نحوی آشکار است. شاه در همه روابط خود با آمریکا به استراتژی‌ها و سیاست‌های منطقه‌ای رؤسای جمهور آمریکا نظر داشت و کاملاً از آن تبعیت می‌نمود. سراسر دهه ۱۳۳۰، سال‌های کمک دولت آیزنهاور و کندی به رژیم پهلوی است. در این دوره، روابط آمریکا با حکومت پهلوی گسترش یافت و کمک‌های نظامی و اقتصادی آمریکا به ایران ابعاد وسیعی پیدا کرد. از این رهگذر، سیل نیروهای مستشاری، پول و ماشین‌آلات به میزان بی‌سابقه‌ای به ایران سرازیر شد؛ از طرف دیگر، شاه در این دهه بر بیشتر بخش‌های جامعه و به‌ویژه مقامات عالی‌رتبه مسلط بود و به شدت بر انتخابات مجلس نظارت داشت. بدین ترتیب، عنان اختیار هر دو مجلس شورای ملی و سنا را در دست داشت. بدون تردید، این تسلط، تأثیر مهمی در تصمیمات نمایندگان مجلس این دهه بالأخص مجالس نوزدهم و بیستم گذاشت؛ به نحوی که منجر به تبعیت از سیاست خارجی مورد نظر شاه شد و مجلس از هیچ‌گونه استقلال عملی برخوردار نبود.

۱. مشروح مذاکرات مجلس، دوره بیست و یکم؛ جلسه ۱۰۴.

۲. گازیوروسکی، دیپلماسی شاه و آمریکا، همان؛ ص ۲۴۸.

کتابنامه

- ازغندی، علیرضا، *تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی ایران (۱۳۵۷-۱۳۲۰)* (تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۴).
- _____، *روابط خارجی ایران (۱۳۵۷-۱۳۲۰)* (دولت‌دست‌نشانده) (تهران: قومس، ۱۳۷۹).
- آوری، پیترو، *تاریخ معاصر ایران (از کودتای ۲۸ مرداد تا اصلاحات ارضی)*، ج ۳، ترجمه محمد رفیعی‌مهرآبادی (تهران: مؤسسه انتشارات عطایی، ۱۳۷۱).
- بیل، جیمز، شیر و عقاب؛ *روابط بدفرجام ایران و آمریکا*، ترجمه فروزنده برلیان، ج ۱ (تهران: فرهنگ نشر نو، ۱۳۷۱).
- روحانی، حمید، *بررسی تحلیلی از نهضت امام خمینی* (تهران: نشر احرار، ۱۳۶۰).
- شایسته‌پور، حمید، *قدرت سرکوب رژیم پهلوی و انقلاب اسلامی ایران* (تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۵).
- شهبازی، عبدالله، *ظهور و سقوط سلطنت پهلوی*، ج ۱ (تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۸۸).
- شهیدزاده، حسین، *ره‌آورد روزگار* (تهران: البرز، ۱۳۷۸).
- عاقلی، باقر، *روزشمار تاریخ ایران* (تهران: گفتار، ۱۳۷۶).
- علی بابایی، غلامرضا، *فرهنگ علوم سیاسی*، ج ۲ (تهران: ویس، ۱۳۶۹).
- فردوست، حسین، *ظهور و سقوط سلطنت پهلوی؛ جستارهایی از تاریخ معاصر ایران*، ج ۱ (تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۷۰).
- گازپوروسکی، مارک، *سیاست خارجی آمریکا و شاه*، ترجمه فریدون فاطمی (تهران: انتشارات مرکز، ۱۳۷۱).
- _____، *دیپلماسی آمریکا و شاه*، ترجمه جمشید زنگنه (تهران: مؤسسه فرهنگی رسا، ۱۳۷۱).
- گرانوسکی، آ. و دیگران، *تاریخ ایران از زمان باستان تا امروز*، ترجمه کیخسرو کشاورزی (تهران: پویش، ۱۳۵۹).
- ملک‌محمدی، حمیدرضا، *ژاندارم و ژنرال؛ نگاهی به روابط ایران و آمریکا در دوره پهلوی دوم* (تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۵).
- منصوری، جواد، *تاریخ قیام پانزده خرداد به روایت اسناد*، ج ۱ (تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۷).
- نجاتی، غلامرضا، *تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران از کودتا تا انقلاب*، ج ۱ (تهران: رسا، ۱۳۸۰).
- یاقمولی، بشیر، *اسناد معاهدات ایران با سایر دول*، ج ۲ (تهران: انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۰).
- ### اسناد و مطبوعات
- آرشیو اسناد مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- جعفری، علی و مرضیه یحیی‌آبادی، «بررسی پیمان بغداد؛ زمینه‌ها، آثار و نتایج آن در ایران»، *پیام بهارستان*، ش: ۱۷، سال ۱۳۹۱؛ ص ۱۸۵.
- روزنامه اطلاعات (مورخ ۳۰ مهر ۱۳۳۴).
- شکوهی، محمدرضا، و الیاس نادران، «تاریخ تحولات قراردادهای در صنعت نفت ایران»، *تاریخ ایران*، ش: ۶۷، سال ۱۳۸۹؛ صص ۷۷-۱۱۰.
- گازپوروسکی، مارک، «روابط امنیتی ایران و ایالات متحده»، ترجمه احمد شمس، *مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، ش: ۶۶-۶۵، سال ۱۳۷۱؛ ص ۳۸.
- مروار، محمد، «گذری به دوره‌های مجلس شورای ملی؛ بخش پایانی»، *روزنامه ندیای اقتصاد*، ش: ۲۹۴۹، سال ۱۳۹۲؛ ص ۳۱.
- مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی.



پروہشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
رتال جامع علوم انسانی